

نامه‌های محمدعلی فروغی



به کوشش



دکتر محمد افشین وفایی، دکتر مهدی فیروزیان



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۰۰]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



نامه‌های محمد علی فروغی



به کوشش دکتر محمد افشین وفایی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

دکتر مهدی فیروزیان

کاوه حسن بیگلر

بیوک رضایی

سعید لیان

محسن طالبی آبکناری

صدف

آزاده

فرد

۲۲۰۰ نسخه

۱۴۰۱

گرافیک، طراحی و اجرای جلد

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

تهیه عکسها و ترمیم عکسهای آسیب‌دیده

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی عکسها

لیتوگرافی

چاپ متن

صحافی

تیراژ

چاپ اول

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت



متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی
دکتر ژاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین وفاپای (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳/۴/۱۳۵۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

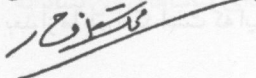
چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاری زدی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایشی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبادا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسندۀ این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجهی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافهٔ پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانهٔ خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابلهٔ عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفتهٔ منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفتهٔ نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العادهٔ سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معاملهٔ مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیدهٔ ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیدهٔ خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکملهٔ منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۹		مقدمه
۴۶		نمونه دستخط فروغی
۵۵		نامه‌ها
۵۷	طهران، بهمن ۱۲۸۸	۱. به محمدحسین امین‌الضرب
۶۰	طهران، ۶ مرداد ۱۲۸۹	۲. گویا به حسن مستوفی‌الممالک
۶۲	طهران، ۱۵ آذر ۱۲۸۹	۳. به ادوارد براون
۶۶	طهران، ۲ دی ۱۲۸۹	۴. به وزارت مالیه
۶۷	طهران، ۳ بهمن ۱۲۹۰	۵. به محمد حسینی صدر (امجدالسلطان)
۶۸	طهران، ۶ بهمن ۱۲۹۰	۶. به محمد حسینی صدر (امجدالسلطان)
۷۰	طهران، شهریور ۱۲۹۳	۷. به یکی از مسئولان وزارت امور خارجه
۷۱	پاریس، ۳ بهمن ۱۲۹۷	۸. به ابوالحسن فروغی
۷۵	پاریس، اسفند ۱۲۹۷	۹. به مطبوعات انگلیس
۷۹	پاریس، ۲۱ خرداد ۱۲۹۸	۱۰. به دوستان صدیق
۹۴	پاریس، ۲۲ آبان ۱۲۹۸	۱۱. به ابوالحسن فروغی
۱۰۰	پاریس، ۲۵ آذر ۱۲۹۸	۱۲. به محمود اورنگ (وقارالسلطنه)
۱۰۸	پاریس، ۱۴ بهمن ۱۲۹۸	۱۳. به محمود اورنگ (وقارالسلطنه)
۱۱۰	پاریس، ۲۳ تیر ۱۲۹۹	۱۴. به اسدالله قدیمی نوایی (مشارالسلطنه)
۱۱۲	ویتزناو، ۲۹ مرداد ۱۲۹۹	۱۵. به ابوالحسن فروغی
۱۱۹	بحر احمر، ۲۳ آبان ۱۲۹۹	۱۶. به روزنامه کاوه
۱۲۸	طهران، ۱ تیر ۱۳۰۰	۱۷. به سید حسن تقی‌زاده
۱۳۱	طهران، ۱۵ آبان ۱۳۰۰	۱۸. به سید حسن تقی‌زاده

۱۳۶. به اسدالله یمین اسفندیاری (یمین الممالک)
 تهران، ۲۳ اسفند ۱۳۰۱
۲۰. به سید حسن تقی‌زاده
 تهران، ۱۷ خرداد ۱۳۰۲
- ۲۱-۲۲. به سید حسن تقی‌زاده
 تهران، ۴ اسفند ۱۳۰۲
۲۳. به سید حسن تقی‌زاده
 تهران، ۶ اسفند ۱۳۰۲
۲۴. به آرتور میلسپو
 تهران، ۱۳۰۳
۲۵. به حسنعلی نصرت مظفری (نصرة السلطنة)
 تهران، ۴ خرداد ۱۳۰۴
۲۶. به آرتور میلسپو
 تهران، ۲۱ آبان ۱۳۰۴
۲۷. به رضاشاه پهلوی
 تهران، ۱ دی ۱۳۰۴
۲۸. به وزارت داخله
 تهران، ۱۳ دی ۱۳۰۴
۲۹. به علی اکبر گلشن
 تهران، ۳۰ فروردین ۱۳۰۵
۳۰. به رضاشاه پهلوی
 تهران، ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵
۳۱. به حسن مستوفی الممالک
 تهران، ۲۹ خرداد ۱۳۰۵
۳۲. به عبدالحسین تیمورتاش
 مودون، ۱۲ مهر ۱۳۰۵
۳۳. به ابوالحسن فروغی
 مودون، ۱۲ مهر ۱۳۰۵
۳۴. به پسرانش
 مودون، مهر ۱۳۰۵
۳۵. به عبدالحسین تیمورتاش
 پاریس، آبان ۱۳۰۵
۳۶. به محمود افشار
 تهران، ۱ اسفند ۱۳۰۵
۳۷. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنة)
 تهران، خرداد ۱۳۰۶
۳۸. به دولت
 آنقره، ۲ آذر ۱۳۰۶
۳۹. به ابوالحسن فروغی
 اسلامبول، ۸ بهمن ۱۳۰۶
۴۰. به محمد قزوینی
 اسلامبول، ۱۰ فروردین ۱۳۰۷
۴۱. به ابوالحسن فروغی
 اسلامبول، ۱۸ فروردین ۱۳۰۷
۴۲. به یحیی قراگوزلو (اعتمادالدوله)
 اسلامبول، ۲۵ فروردین ۱۳۰۷
۴۳. به ابوالحسن فروغی
 اسلامبول، ۱۳۰۷
۴۴. به عبدالحسین تیمورتاش
 اسلامبول، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۷
۴۵. به حسین علاء
 اسلامبول، ۸ اردیبهشت ۱۳۰۷
۴۶. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنة)
 آنقره، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۷
۴۷. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنة)
 آنقره، ۸ خرداد ۱۳۰۷
۴۸. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنة)
 آنقره، ۸ خرداد ۱۳۰۷

۵۰. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) ۲۶۲
 ۵۱. به عبدالحسین تیمورتاش ۲۶۷
 ۵۲. به فتح‌الله پاکروان ۲۶۹
 ۵۳. به وزارت امور خارجه ۲۷۰
 ۵۴. به وزارت امور خارجه ۲۷۱
 ۵۵. به عبدالحسین تیمورتاش ۲۷۲
 ۵۶. به وزارت امور خارجه ۲۸۳
 ۵۷. ۱۳۰۷ اسلامبول، ۲۸۴
 ۵۸. ۱۳۰۷ اسلامبول، ۲۸۶
 ۵۹. به محمدعلی فرزین (کلوب) ۲۸۹
 ۶۰. شاید به عبدالرزاق بغایری ۲۹۳
 ۶۱. گویا به عبدالحسین تیمورتاش ۲۹۵
 ۶۲. شاید به سید مهدی قلی ۲۹۷
 ۶۳. به وزارت امور خارجه ۳۰۳
 ۶۴. به عبدالحسین تیمورتاش ۳۰۶
 ۶۵. به وزارت داخله ۳۰۷
 ۶۶. به وزارت دربار ۳۰۸
 ۶۷. به سید حسن تقی‌زاده ۳۰۹
 ۶۸. به سید حسن تقی‌زاده ۳۱۱
 ۶۹. به وزارت داخله ۳۱۳
 ۷۰. به حمزه سردادور (طالب‌زاده) ۳۱۵
 ۷۱. به هیئت وزرا ۳۱۷
 ۷۲. به فریدریش ورنر فون در شولنبرگ ۳۱۹
 ۷۳. به وزارت دربار ۳۲۱
 ۷۴. به وزارت دربار ۳۲۲
 ۷۵. به وزارت مالیه ۳۲۴
 ۷۶. به عبدالحسین تیمورتاش ۳۲۵
 ۷۷. به توفیق رشدی اراس ۳۲۷
 ۷۸. به وزارت معارف ۳۲۸
 ۷۹. به وزارت دربار ۳۳۰
 آنقره، ۸ خرداد ۱۳۰۷ ۲۶۲
 آنقره، ۹ خرداد ۱۳۰۷ ۲۶۷
 اسلامبول، ۲۳ تیر ۱۳۰۷ ۲۶۹
 آنقره، ۲۲ مهر ۱۳۰۷ ۲۷۰
 اسلامبول، آبان ۱۳۰۷ ۲۷۱
 آنقره، ۵ آبان ۱۳۰۷ ۲۷۲
 اسلامبول، ۶ آبان ۱۳۰۷ ۲۸۳
 اسلامبول، ۱۳۰۷ ۲۸۴
 اسلامبول، ۱۳۰۷ ۲۸۶
 اسلامبول، اسفند ۱۳۰۷ ۲۸۹
 آنقره، ۱۵ فروردین ۱۳۰۸ ۲۹۳
 تابستان ۱۳۰۸ ۲۹۵
 آنقره، ۱۳۰۸ ۲۹۷
 آنقره، ۱۳ آبان ۱۳۰۸ ۳۰۳
 آنقره، ۱۰ اسفند ۱۳۰۸ ۳۰۶
 طهران، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۹ ۳۰۷
 طهران، ۲۷ خرداد ۱۳۰۹ ۳۰۸
 طهران، ۱۲ مرداد ۱۳۰۹ ۳۰۹
 طهران، ۳۰ مهر ۱۳۰۹ ۳۱۱
 طهران، ۱۳ بهمن ۱۳۰۹ ۳۱۳
 طهران، ۱۴ بهمن ۱۳۰۹ ۳۱۵
 طهران، ۱۳۱۰ ۳۱۷
 طهران، ۳ خرداد ۱۳۱۰ ۳۱۹
 طهران، ۳ خرداد ۱۳۱۰ ۳۲۱
 طهران، ۹ تیر ۱۳۱۰ ۳۲۲
 طهران، ۳ شهریور ۱۳۱۰ ۳۲۴
 طهران، دی ۱۳۱۰ ۳۲۵
 طهران، ۲ بهمن ۱۳۱۰ ۳۲۷
 طهران، ۲۰ بهمن ۱۳۱۰ ۳۲۸
 طهران، ۱۴ اسفند ۱۳۱۰ ۳۳۰

- | | | |
|-----|-------------------------|--------------------------------------|
| ۳۳۲ | تهران، ۱۸ فروردین ۱۳۱۱ | ۸۰. به صادق صادق (مستشارالدوله) |
| ۳۳۸ | تهران، ۲۱ تیر ۱۳۱۱ | ۸۱. به وزارت دربار |
| ۳۳۹ | تهران، ۲۵ مرداد ۱۳۱۱ | ۸۲. به صادق صادق (مستشارالدوله) |
| ۳۴۱ | تهران، ۲۵ مرداد ۱۳۱۱ | ۸۳. به صادق صادق (مستشارالدوله) |
| ۳۴۴ | تهران، ۱۴ شهریور ۱۳۱۱ | ۸۴. به وزارت عدلیه |
| ۳۴۶ | تهران، ۱۱ آذر ۱۳۱۱ | ۸۵. به رضاشاه پهلوی |
| ۳۴۸ | تهران، آذر ۱۳۱۱ | ۸۶. به عیسی فیض |
| ۳۵۰ | تهران، آذر ۱۳۱۱ | ۸۷. به انوشیروان سپهبدی |
| ۳۵۳ | تهران، ۲۶ آذر ۱۳۱۱ | ۸۸. به ژوزف اونول |
| ۳۵۴ | تهران، ۲۷ آذر ۱۳۱۱ | ۸۹. به عبدالحسین تیمورتاش |
| ۳۵۵ | تهران، اردیبهشت ۱۳۱۲ | ۹۰. به سید حسن تقی‌زاده |
| ۳۵۷ | تهران، ۴ خرداد ۱۳۱۲ | ۹۱. به مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) |
| ۳۵۹ | تهران، پاییز ۱۳۱۲ | ۹۲. به سید حسن تقی‌زاده |
| ۳۶۱ | تهران، ۹ فروردین ۱۳۱۳ | ۹۳. به وزارت امور خارجه |
| ۳۶۳ | تهران، ۲۶ فروردین ۱۳۱۳ | ۹۴. به وزارت امور خارجه |
| ۳۶۴ | تهران، ۱ خرداد ۱۳۱۳ | ۹۵. به وزارت امور خارجه |
| ۳۶۵ | تهران، ۳۱ خرداد ۱۳۱۳ | ۹۶. به سفارت ایران در پاریس |
| ۳۶۶ | تهران، ۱۶ تیر ۱۳۱۳ | ۹۷. به وزارت امور خارجه |
| ۳۶۷ | تهران، ۱۱ شهریور ۱۳۱۳ | ۹۸. به محمدولی اسدی |
| ۳۶۸ | تهران، آبان ۱۳۱۳ | ۹۹. به محمدولی اسدی |
| ۳۷۰ | تهران، ۱۱ آذر ۱۳۱۳ | ۱۰۰. به وزارت امور خارجه |
| ۳۷۲ | تهران، ۱۵ دی ۱۳۱۳ | ۱۰۱. به محمدولی اسدی |
| ۳۷۴ | تهران، ۲ اسفند ۱۳۱۳ | ۱۰۲. به محمدولی اسدی |
| ۳۷۶ | تهران، ۱۸ اسفند ۱۳۱۳ | ۱۰۳. به توفیق رشدی اراس |
| ۳۷۷ | تهران، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۴ | ۱۰۴. به وزارت امور خارجه |
| ۳۷۹ | تهران، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۴ | ۱۰۵. به وزارت داخله |
| ۳۸۰ | تهران، ۱۲ تیر ۱۳۱۴ | ۱۰۶. به عبدالکریم حائری |
| ۳۸۲ | تهران، ۲ شهریور ۱۳۱۴ | ۱۰۷. به محمدولی اسدی |
| ۳۸۳ | تهران، ۲۹ شهریور ۱۳۱۴ | ۱۰۸. به سید حسن تقی‌زاده |
| ۳۸۵ | تهران، اسفند ۱۳۱۴ | ۱۰۹. به محمد اسحاق |

۳۸۸. به وزارت معارف طهران، ۸ دی ۱۳۱۵
۳۹۱. به حمیده فروغی طهران، ۱۳۱۶
۳۹۳. به سید محمدعلی داعی الاسلام طهران، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۸
۳۹۶. به اداره نگارش وزارت فرهنگ طهران، ۹ اسفند ۱۳۱۸
۳۹۷. به یکی از مسئولان وزارت امور خارجه طهران، ۱۳۱۹
۳۹۹. به حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه) طهران، ۳۰ شهریور ۱۳۲۰
۴۰۱. به سید ابوالقاسم کاشانی طهران، ۲۲ مهر ۱۳۲۰
۴۰۲. به وزارت فرهنگ طهران، ۱۴ دی ۱۳۲۰
۴۰۴. به سید حسن نقی زاده طهران، ۱۹ دی ۱۳۲۰
۴۰۶. به ریدر ویلیام بولارد طهران، ۲۵ دی ۱۳۲۰
۴۰۷. به سید ابوالقاسم کاشانی طهران، دی ۱۳۲۰
۴۰۹. به آنتونی ادن طهران، ۱ بهمن ۱۳۲۰
۴۱۱. به محمدرضا شاه پهلوی طهران، بهمن ۱۳۲۰
۴۱۴. به وزارت جنگ طهران، ۹ بهمن ۱۳۲۰
۴۱۶. به وینستون چرچیل طهران، ۱۱ بهمن ۱۳۲۰
۴۱۷. به ژوزف استالین طهران، ۱۱ بهمن ۱۳۲۰
۴۱۸. به سید مهدی فرخ طهران، ۱۷ بهمن ۱۳۲۰
۴۱۹. به ریدر ویلیام بولارد طهران، ۲۸ بهمن ۱۳۲۰
۴۲۱. به علی ایزدی طهران، ۱۳۲۱
۴۲۲. به علی سهیلی طهران، ۲ اردیبهشت ۱۳۲۱
۴۲۴. به رجبعلی منصور (منصورالملک) طهران، ۲۴ خرداد ۱۳۲۱

فهرستها

۴۲۷. اشخاص
۴۲۹. جایها و ابنیه
۴۳۶. ادارات و سازمانها و تشکلات، منصبها، دول و غیره
۴۴۲. کتابها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و غیره

منابع

۴۶۳. تصاویر
- ۴۷۱.

مقدمه

مجموعی از زندگی فروغی

محمدعلی فروغی (۱۳ تیر ۱۲۵۶-۵ آذر ۱۳۲۱)، ذکاءالملک دوم، از اثرگذارترین روشنفکران ایران معاصر است. این سیاستمدار عملگرای روزگار قاجار و پهلوی، در نویسندگی، روزنامه‌نگاری، ترجمه و تصحیح متون کهن فارسی نیز دستی توانا داشت. او افزون بر روشنگری همگانی و کوشش برای مدرن کردن ادارات دولتی، در عرصه امور سیاسی به گسترش روابط بین‌المللی ایران از راه پیوستن به شورای جامعه ملل و برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر یاری رساند. پایه‌گذاری فرهنگستان ایران و انجمن آثار ملی و همکاری در بنیاد نهادن دانشگاه تهران نیز بخشی از کارهای ماندگار او در زمینه پاسداری از فرهنگ ایران و آموزش و گسترش آن است.

پدرش، میرزا محمدحسین متخلص به فروغی^۱ و ملقب به ذکاءالملک (۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۵۵-۱۱ رمضان ۱۳۲۵)، فرزند آقا محمدمهدی ارباب اصفهانی (۱۲۳۳-۱۳۱۴ق)، روشنفکر، شاعر، مترجم، روزنامه‌نگار، بنیان‌گذار روزنامه تربیت و استاد و مدیر مدرسه علوم سیاسی بود. او از همان کودکی به پرورش منش و اندیشه محمدعلی پرداخت و او را

۱. تخلصی است که ناصرالدین‌شاه قاجار به او داده بود.

با مردان دانشمندی که به منزلش رفت و آمد داشتند، آشنا ساخت. آن سخنور فرهیخته سرشت فرزندش را از آغاز با ذوق و حال آمیخت و مردم‌دوستی و میهن‌پرستی را به وی آموخت. همچنین او را به فراگیری زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی برانگیخت. محمدعلی در چهارده‌سالگی برای آموختن انگلیسی به دارالفنون رفت و از سال دوم به پیشنهاد پدر در آنجا به تحصیل علوم مقدماتی و پزشکی پرداخت، بدین انگیزه که در آینده نیازمند کار دولتی نباشد؛ زیرا پدرش از این کارها رنج بسیار برده بود. محمدعلی پس از سه چهار سال دریافت که برای فراگیری بسزای دانش پزشکی باید به اروپا برود؛ اما چون امکان رفتن به آنجا را نداشت آن رشته را رها کرد و به سراغ دانشهای ادبی و تاریخ و فلسفه رفت. با ادبیات جهان، به‌ویژه فرانسه، نیز به‌خوبی آشنایی یافت؛ تا آنجا که در شانزده‌سالگی مترجم زبانهای فرانسوی و انگلیسی دارالترجمه دولتی شد. فروغی از هر فرصتی و از هر راهی برای آموختن بهره می‌برد؛ برای نمونه به دوستش، محمد قزوینی، فرانسوی تعلیم می‌داد و از او عربی می‌آموخت. از کمال‌الملک نقاشی یاد می‌گرفت و به او فرانسوی درس می‌داد.

در سال تاجگذاری مظفّرالدین‌شاه، یعنی هنگامی که نوزده سال داشت، به همکاری و دستیاری پدر به انتشار روزنامه تربیت پرداخت و همراه او دگرگونی تازه‌ای در روزنامه‌نگاری ایران پدید آورد. ۴۳۴ شماره پربار از این روزنامه، که نخستین روزنامه غیردولتی ایران بود، با آراستگی چشمگیری به چاپ رسید (۱۳۱۴-۱۳۲۵ق) و در بیداری ایرانیان در زمینه دانش، قانون، پیشرفت و نوگرایی، نقشی فراموش‌نشدنی داشت.

در بیست‌سالگی به استخدام شرکت طبع کتب برای ترجمه و تألیف درآمد. در همان سالهای جوانی در مدرسه‌های خرد، علمیه، ادب، علوم سیاسی و مظفریه، آموزگار تاریخ قرون وسطی، تاریخ اسلام، ترجمه، فیزیک و... بود. پس از درگذشت پدرش نیز در سی‌سالگی ریاست مدرسه علوم سیاسی (که سپس‌تر دانشکده حقوق نام گرفت) بدورسید و پس از چندی محمدعلی شاه قاجار، طبق رسم، لقب پدر (ذکاءالملک) را به پسر داد.

محمدعلی فروغی سه خواهر به نامهای فرزانه، زهرا، عذرا و یک برادر به نام ابوالحسن

داشت که خود از مردان فرهنگی و خوش‌نام روزگار بود.^۱ محمدعلی در ۲۰ خرداد ۱۲۸۲ با پاینده‌خانم (نام اصلی او زرین‌تاج بود)، دختر میرپنج نظام‌مافی و خواهرزاده رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه، پیمان زناشویی بست. از این پیوند چهار پسر به نامهای جواد (۱۲۸۴-۱۳۳۷)، محسن (۱۲۸۶-۱۳۶۲)، مسعود (۱۲۹۰-۱۳۵۹) و محمود (۱۲۹۴-۱۳۷۰) و دو دختر به نامهای فرشته^۲ (۱۲۹۲-۱۳۸۱) و حمیده (۱۲۹۶-۱۳۷۶) در وجود آمد. فرشته همسر علی‌اکبر اسدی (فرزند محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس) شد^۳ و حمیده پس از درگذشت فروغی به همسری علی‌نقی، فرزند دیگر محمدولی‌خان، درآمد.^۴ هرچند فروغی به فرزندانش گفته بود «حتی‌الامکان مزاجت با اروپایی مصلحت نیست»^۵ جز محمود که دوشیزه‌ای ایرانی به نام ماری شیدانی را به همسری برگزید^۶ هر سه پسر او زن فرنگی داشتند:

۱. مادر فروغی، که او را بی‌بی‌جان صدا می‌کردند، عمری دراز یافت و دست‌کم تا سال ۱۳۰۵ زنده بود. فرزانه خواهر بزرگ‌تر محمدعلی و تنها فرزند همسر نخست پدرش بود که همسری مردی را نپذیرفت و با محمدعلی و فرزندانش زندگی می‌کرد. کار خانه‌داری به‌ویژه پس از درگذشت پاینده‌خانم (همسر فروغی) با او بود. تنها برادر محمدعلی، ابوالحسن (۱۲۶۲-۱۳۳۸)، شخصی نكونام و متدین بود که همسری به نام فاطمه گرفت و از آنها یک فرزند به نام عبدالله (۱۳۰۷-۱۳۵۸) برجا ماند که مجرّد زیست و اوایل انقلاب در تنهایی و ترس از آنچه بر سر خانواده و مخصوصاً محسن فروغی آمده بود درگذشت. زهرا خواهر کوچک‌تر از محمدعلی و ابوالحسن، همسر مهندس عبدالرزاق بغیری (سرتیپ) شد و چهار فرزند یافت: حسنعلی که در جوانی جهان را بدرود گفت، کرمعلی که در کودکی درگذشت، و دو دختر به نامهای بتول و پروین. بتول مجرّد ماند و پروین به همسری شخصی به نام قصبه‌ای (ضیایی‌مهر) درآمد و از او یک فرزند به نام حمید به دنیا آورد که اکنون در امریکاست. عذرا، کوچک‌ترین خواهر، هم با محمود اورنگ یا وصال (وقارالسلطنه) پیمان زناشویی بست و سه فرزند یافت: منوچهر، زهرا، که هما صدایش می‌کردند، و هوشنگ. منوچهر صاحب پنج فرزند شد: محمود، همایون، ژاله، علی و لیلا. هما به همسری محمدعلی معذّل درآمد و از او صاحب یک پسر به نام احمد و دو دختر به نامهای مریم و روشنگ شد. هوشنگ وصال (نویسنده کتاب باغی بزرگ) با پروین شیبانی ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر به نامهای بهرام و سلما شد. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی خانواده‌ی ذکاء‌الملک و سرنوشت ایشان نک: «مصادره‌ها و مصائب فروغیها»، ص ۵۴-۵۸.

۲. نام او در شناسنامه مریم بوده است.

۳. از سه فرزند ایشان، گیتی اکنون در پاریس زندگی می‌کند و مینو و نیکو درگذشته‌اند.

۴. سه دختر آن دو، سیما، سوسن و لیلا بیرون از ایران هستند.

۵. کتاب حاضر، ص ۱۸۳.

۶. پنج فرزند با نامهای نسرین، خسرو، پروانه (پری)، فیروزه و جمشید از آن دو برجا ماند که همگی در خارج از کشور

به‌سر می‌برند.